

دکتر هراند قو کاسیان

هوانس تومانیان

شاعر ملی ، قصیده سرا و حماسه گوی توانای ارمنی

هوانس تومانیان شاعر غزلسرا . قصیده گو و حماسه سرای ارمنی است که بجز شعر در سایر رشته‌های ادبی نیز از جمله داستان نویسی - قصیده پردازی ، نقد ادبی و نیز قصیده‌های کود کان تبهر کافی داشته است تا آنجا که در زمینه داستانسراپی و حکایت نویسی فقط «قازاروس آقایان» و از لحاظ تمثیل پردازی و لطیفه گوئی تنها «تایگ خنگویان» بپای او میرسند .

تومانیان همراه با هوانسیان . ایساها کیان و دریان که در شماره های گذشته همین مجله بشرح حال آنها اشاره شد یکی از چهار رکن اساسی شعرارمنستان شرقی محسوب میشود . نام تومانیان بعنوان شاعر قصیده گو و حماسه سرا جاودانه برپیشانی تاریخ ادبیات ارمنی باقی خواهد ماند .

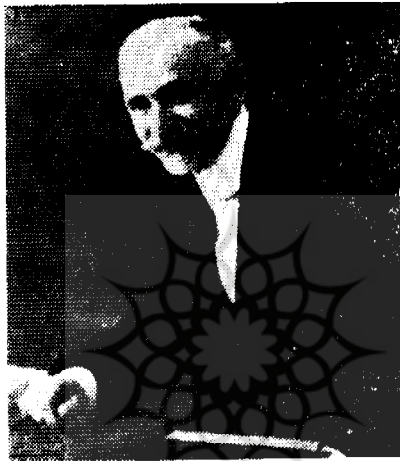
شاهکارهای جاویدانیکه از تومانیان همواره بر تارک آثار ارزنده ادبیات ارمنی خواهند درخشید عبارتند از «آنوش» ، «داوید ساسونی» .

«تسخیر قلعه طبل» «بسوی لایتناهی» «پروانه» «آخ تامار» «دیر کبوتر» «مارو» «یک قطره غسل» ، «بقوس پطروس» . «ترانه من» . «هزار دستان» . «کیکور» . «شاعر» و الهام و دیگر قصیده‌ها . و منظومه‌ها و دهها آثار نظم و نثر دیگر که هر یک بنوبه خود در شمار پر ارزشترین سخنان منظوم و منثور ادبیات جهان محسوب میشوند :

بطور کلی آثار تومانیان دارای سه جنبه اختصاصی است جنبه ادبی . جنبه واقع گرایی . (رئالیتیک و جنبه سادگی آن .

آهنک کلامش همچون آهنک ملی «کومیتاس» موسیقی دان و آهنک ساز شهیر ارمنی دلنشین و روح پرور است .

تومانیان در بین تمام شعرا و نویسندگان ارمنی از همه بیشتر به مرزوبوم خود و محیط گرداگردش پای بند بوده و در حقیقت میتوان گفت که وی بر جسته ترین



تومانیان شاعر ارمنی

نماینده ملت ارمنی و آب و خاک همان ملت بوده است . به پیروی از همین عواطف میهن پرستی و انسان دوستی و آزادیخواهی خویش است که اوضاع روستاها و روستا نشینان کوهستانی ارمنی را با زبانی ساده و آشنا و بیانی گرم و بی ریا شرح داده است . زیرا تومانیان حقیقه از میان اصیل ترین قشر اجتماع ارمنه بر خاسته و بیوسه مظهر عشق و پیمان . عشق به آزادی انسانها . عشق بپاکی و پاکیزگی نهاد آدمی . عشق بر آب و خاک و زادگاه خود و معرف وضع اجتماعی عصر خویش بوده است و بهمین لحاظ است که اشعار تومانیان در قلب فرد فرد ارمنه جای دارد و ملت ارمنی همواره او را شاعر ملی خود

دانسته و از این پس نیز خواهد دانست .

ادبیات ارمنستان شرقی با تومانیان راه ترقی و تکامل را پیموده است زیرا در فنون مختلف شعر و فصاحت و بلاغت زبان پیشرفتهای ارزنده‌ای را نصیب ادبیات ارمنی کرده است .

این شاعر و نویسنده همانطور که به اشاره رفت علاوه بر قصاید و مقالات ادبی و اجتماعی در ترجمه نیز استادی و زبردستی شگرف خود را نشان داده است زیرا ترجمه‌های وی هر کدام بنوبه خود در حدود خلاقیت هنری بشمار میروند . این ترجمه‌ها را اکثراً از زبان روسی بارمنی انجام میداده است .

تومانیان خلق آثار هنری خویش را با روحیه آرام و آگاه نیاکان خویش تلفیق نموده است و این موضوع حتی در مقاله‌های اجتماعی و نامه‌هایش بخوبی روشن است . وی آثار منظوم و منثور خود را با تیز بینی و روشن فکری و مردانگی و پرهیز از خلق کرده است . تومانیان در بین شاعران و نویسندگان ارمنی مقام ارجمندی را داراست و الحق در صف اول آنان جای دارد . و علاوه بر این چه در زمان حیاتش و چه بعد از آن در بین ملت ارمنی محبوبیت بسزائی داشته و دارد .

تومانیان در هفتم فوریه سال ۱۸۶۹ در یکی از روستاهای ارمنی نشین نواحی ارمنستان بنام «دسق» پای بجهان وجود گذاشت و دوران صباوت خود را در دامن خانواده‌ای شریف و اصیل گذراند . پدرش کشیش طاطاوس مردی نجیب و نیکوکار زنده دل و فوق العاده مردم دوست و فقیر نواز بوده است تومانیان پدر درویش مسلک و شاعر منش خویش را بجد پرستش دوست میداشت و بعدها در باره او مینویسد .

«بهترین و بزرگترین موهبتی که در زندگی داشته‌ام پدرم بوده است وی مردی ژرف بین با روحی بلند و قلبی بزرگ و رفتاری ملایم بود . . . تومانیان چهار برادر

و سه خواهر داشت که خود ارشد آنها بوده است. وی مرد وارسته و خود ساخته بود زندگیش نیز شعر بود و بنوشته‌ها. ضرب المثلها قصه‌ها و داستانها و شعرهایش شباهت بسیار داشت.

دوران کودکی تومانیان در دهکده زادگاهش طی شد و هنگامیکه قدم بسن هفت سالگی گذاشت بجای آنکه وارد مدرسه شود بدنبال کاوچرانی رفت و گاو - چرانی بازی گوش و خواب آلود بود که اغلب شب هنگام در حالیکه نتوانسته بود گاوهایش را در چراگاهها یکجا جمع کند با دست خالی گریه کنان از دشت و صحرا بخانه باز میگشت. تومانیان از زادگاهش دوستان بیشماری را بدور خود گرد آورده بود و با کودکان روستائی یکدل و یک زبان در آغوش طبیعت زادگاهش بطور طبیعی با هوش سرشار و تیز بینی خود همه چیز را از محیط خود فرا میگرفت و افسانه‌ها و قصه‌ها و حماسه‌ها و ضرب المثلهای ارمنی را از سالخوردگان موطنش میشنید و تمام گوشه و کنار مسقط‌الراس خود را از کوهها، دشتها، بیشه‌ها و آبها گرفته تا اماکن مقدس و بناهای ویران شده نیاکان خود را بدقت بازمیدید و روح هم‌میهنان و هوای زادگاه خود را با خون خود عجین میساخت و گنجینه‌های گرانبھائی را در نهان خود ذخیره میکرد. تا بعداً بتواند وارث راستین نیاکان پرافتخار خود باشد این موضوع در نخستین مرحله نویسنده گیش در حکایات و قصه‌ها و یاداشتهای وی چشم‌گیر است.

تومانیان در سن هشت سالگی الفبای زبان ارمنی را نزد پدر و عموی خود فرا گرفت. آنکاه مدت دو سال در مدرسه زادگاهش تحت تعلیم «سهاک معلم» قرار گرفت و وقتی به ده سالگی رسید پدرش وی را به «جلال‌اقلی» (استپان‌اوان فعلی) برد و در آنجا مدت چهار سال بتحصیل علم و دانش پرداخت.

تومانیان از اوان کودکی شعر میسرود و در این هنگام یعنی در سن یازده سالگی نخستین شعرش را در این مدرسه نوشت. در سال ۱۸۸۳ چون مدرسه مزبور بسته شد ناچار بدهکده موطنش باز گشت و پس از اندک توقف در آنجا با پدرش بجانب تفریس رهسپار گردید و وارد مدرسه نرسیان شد و مدت سه سال نیز در آنجا بتحصیل اشتغال یافت (۱۸۸۶-۱۸۸۳) و آنجا را نیز نیمه تمام ترك گفت و مانند دیگر نویسندگان ارمنستان با پشت کار و مطالعات شخصی و هوش و ذوق و استعداد فطری بعداً توانست در صف شاعران و نویسندگان قدر اول ارمنی درآید.

تومانیان از هفده سالگی وارد زندگی اجتماعی شد و بعنوان منشی در استخدام خلیفه گری ارمنه تفریس در آمد و مدت ۵ سال در آن مؤسسه مشغول انجام وظیفه شد ولی چون این شغل با روح وی سازگار نبود و از طرفی بعلت سرودن شعری که در آن یکی از روحانیان را هجو کرده بود از خلیفه گری رانده شد و از آن بیعدتا پایان عمرش در هیچ جا با استخدام رسمی در نیامد.

نخستین مجموعه وی در سال ۱۸۹۰ در مسکو بچاپ رسید و دو سال بعد دومین مجموعه اش که در آن منظومه «آنوش» نیز دیده میشد بطبع رسید. انتشار این دو مجموعه نام و شهرتی بحق برای تومانیان بوجود آورد. در اینجا بجاست که یادآوری کنیم این شاعر هنوز بیش از نوزده سال نداشت که تأهل اختیار کرد و از آن ازدواج پرثمر ... پرثمرتر از آثار خلاقه ادبی وی ده فرزند بوجود آورد (چهارپسر و ۶ دختر) که شاعر غالباً نام آنها را فراموش میکرد و یا آنها را اشتباه صدا میگرد. زنش کدبانوئی با کفایت بوده که با صبورشکیبائی قابل تقدیری بار سنگین مسئولیت اداره این خانواده را بگردن داشت. فرزندانش هر کدام بنوبه خود افرادی برجسته و نیکنام و در جامعه خود نامی شدند.

این شاعر با اکثر نویسندگان و شعرای هم عصر خود رشته الفت و روابط هنری و ادبی برقرار کرده بود ولی رابطه وی با «قازاروس آقایان» رابطه پدر و فرزند بود. میگویند علاقه «قازاروس» به تومانیان بقدری بود که شبی دیر هنگام نویسنده نامی در خانه شاعر جوان را میکوبد وی را از خواب بیدار میکند و سراسیمه میپرسد آمده‌ام احوالت را بپرسم چون خواب بدی را برای تو دیده بودم. نویسنده اخیر هنر شاعری و نویسندگی تومانیان را پیوسته میستود و خشنود بود که چراغ وادی علم و هنر بوسیله تومانیان و امثال او روشن و فروزان خواهد ماند.

تومانیان با کمک قازاروس آقایان. ورتانس باپازیان و اهارونیان در دو جلد تذکره شعر او نویسندگان ارمنی را در سال ۱۹۱۰ بچاپ رسانید. وی سالیان دراز با مجله کودکان چاپ ارمنستان همکاری داشته است و همراه با لئون شانت «ودیکر اندیشمندان و نویسندگان ارمنی جزو هیئت تحریریه چاپ کتب کلاسیک (والری) بزبان ارمنی بوده و در آن هیئت فعالیت‌های قابل توجهی از خود نشان میداده است. تومانیان در میان شاعران و نویسندگان ارمنی شاعری با سخاوت و دست و دل باز معروف بوده و روزی نبوده که چندین نفر بر سر سفره‌اش گرد نیایند. همیشه و همه جا بعنوان ساقی مجلس میهمانها. مجالس و ضیافت‌ها را اداره میکرد. است و چون فوق العاده خوش مشرب و خوش بیان بوده هر جا وارد میگردد بعهده بعنوان ساقی بزم انتخاب میشده است بهمین لحاظ علاوه بر شاعر ملی لقب ساقی همگانی را نیز باو داده‌اند. در سال ۱۹۱۲ تومانیان در تفلیس انجمنی بنام انجمن نویسندگان و شعرای ارمنی که خود ریاست آنرا بعهده داشت تشکیل داد. هدف این انجمن علاوه بر توسعه و پیشرفت ادبیات ارمنی در زمینه‌های مختلف ادبی. ایجاد روابط فرهنگی و هنری بین ممالک دیگر جهان نیز بود.

والری بر سف نویسنده روس با تومانیان روابط بسیار نزدیک داشت و در سال ۱۹۱۶ کتابی بنام «شعر ارمنستان» برشته تحریر در آورد. وی در باره تومانیان مینویسد:

قدرت هنرنمایی تومانیان را در آثار منظومش باید دید. او در اشعارش از زندگی اجتماعی و زوایای بیشمار اجتماع و روحیه مردم قشرهای مختلف آن سخن می گوید:

با مطالعه آثار منظوم تومانیان نظیر «آنوش» بهتر میتوان بزندگی اجتماعی و سنت‌های باستانی ملت کهنسال ارمنی پی برد تا با مطالعه و بررسی کتب تاریخی و اجتماعی دیگر شاعر با قدرت خلافتی بی نظیر و پروازهای آتشین و قلمی شیدا و بیانی فصیح بزندگی طبقات مختلف مردم روح و جان تازه میدمد.

تومانیان آثار بیشماری از نویسندگان برجسته روسی منجمله پوشکین باره‌نی ترجمه کرده است که با متن اصلی آن اصالت و هنر نویسنده روس کاملاً محفوظ مانده است.

تومانیان در جنگ دوم جهانی در آن هنگام که فراریان و آوارگان ارمنه ترکیه پس از قتل عام بسوی ارمنستان شرقی مهاجرت میکردند نسبت بآنها و کودکان یتیمی که والدین خود را در آن کشتارها از دست داده بودند کمال همراهی و مساعدت را داشت و در نگاهداری و تأمین غذای آنان فداکاری بسیار کرد. از این کودکان که بکمک تومانیان بنان و نوائی رسیدند بعداً شاعری معروف بنام «واقار شاک نورتیز» بوجود آمد.

تومانیان در سراسر عمر خود تنها یک بار بخارج از ارمنستان یعنی بقسطنطنیه مسافرت کرد. و اغلب بسیر و سیاحت مناطق مختلف ارمنستان میپرداخت و در تمام

این مسافرتها سعی میکرد که روابط هنری و ادبی بین این مناطق برقرار و محفوظ ماند. در اوایل سال ۱۹۲۳ تومانیان به بیماری سرطان مبتلا شد و برای معالجه به مسکو انتقال یافت و پس از چندی چشم از جهان فرو بست. جسدش به تقلیس منتقل و در آنجا بخاک سپرده شد و باین ترتیب چراغ زندگی شاعر ملی ارمنه برای ابد خاموش شد در حالیکه آثار ارزنده وی برای همیشه در ادبیات جهان باقی خواهد ماند. در ارمنستان برای تجلیل و بزرگداشت شاعر بلند قدر نام دهکده زادگاه وی را به نام طومانیان نامیدند. و در ایروان خانهای بنام موزه تومانیان بنا نهادند. همچنین کتابخانهها، قرائت خانهها و مدارسی هم بنام تومانیان نامگذاری کردند. پس از فوت او آثارش در بین سالهای (۱۹۴۰-۱۹۵۹) بشرح زیر درشش جلد بچاپ رسید.

جلد اول - مجموعه اشعار تومانیان دوم منظومه ها - سوم قصیده ها و داستانهها
چهارم انتقادات ادبی نطق و خطابهها پنجم نامهها ششم بقیه آثار تومانیان.
اخیراً اطلاع حاصل شد که در ارمنستان در صدند صدمین سالگرد تولد او را جشن بگیرند و بهمین مناسبت مجموعه جدید دیگری نیز از وی بچاپ برسانند.

ای در طلب تو عمر من فرسوده
نابوده شده با تو دمی تا بوده
بر سفره انتظار خون جگر-رم
شد از پی حلوی لب پالوده
(مهرستی گنججوی)